

فناوری

رباتی برای کاوش قمرهای سیاره زحل



ناسا فیلمی از یک مسار رباتیک به نام «EELS» که برای کاوش اقیانوس‌های قمر زحل استفاده خواهد شد، منتشر کرده است. به گزارش ایسنا و به نقل از ایندین‌اکسپرس، ناسا به تازگی فیلمی از مار رباتیک خود منتشر کرده است که این ربات جالب را در حال حرکت در مکان‌های مختلف نشان می‌دهد.

مسار رباتیک EELS برای کاوش مستقل در مکان‌های غیرقابل دسترس در زمین، مریخ و فراطر از آن طراحی شده است.

ناسا می‌گوید که گروهی در آزمایشگاه پیش‌رانش جت این آژانس فضایی(JPL) در حال آزمایش یک مار رباتیک هستند که روزی

می‌تواند اقیانوس‌های زیرسطحی آنسلاوس، قمر زحل را از طریق درجه‌های روی سطح کاوش کند.

به گفته آزمایشگاه پیش‌رانش جت، ربات «EELS» برای نقشه‌برداری، پیمایش و کشف مقاصد غیرقابل دسترس در سیاره ما، ماه و سایر سیارات منظومه شمسی طراحی شده است. تیم‌های آزمایشگاه پیش‌رانش جت برای اولین بار توسعهی نمونه‌ی اولیه این ربات را در سال ۲۰۱۹ آغاز کردند و از آن زمان تاکنون بازنگری‌های مستمری را بر روی آن انجام داده‌اند. در سال ۲۰۲۲، آنها شروع به انجام آزمایشات ماهانه میدانی کردند و در عین حال سخت افزار و نرم افزار EELS را نیز اصلاح کردند.

این مار رباتیک در آخرین نسخه خود که EELS ۱۰۰ نام دارد، حدود ۱۰۰ کیلوگرم وزن و چهار متر طول دارد. این مار از ۱۰ بخش یکسان ساخته شده که به حرکت و جابه‌جایی آن کمک می‌کنند. در حال حاضر، این ربات در محیط‌های شنی، برفی و یخبندان آزمایش شده است. این مکان‌ها شامل شبیه‌ساز مریخ در آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا نیز می‌شود که به عنوان یک زمین بازی برای ربات‌ها توصیف می‌شود.

عملکرد مستقل ربات به دلیل تأخیر طولانی در برقراری ارتباط بین زمین و سایر سیارات و اجرام آسمانی در اعماق فضا بسیار اهمیت دارد. برای مثال، یک ارسال یک سیگنال رادیویی یک طرفه به زحل ممکن است حدود ۸۳ دقیقه طول بکشد. با توجه به این تأخیر ارتباطی بین زمین و سایر اجرام آسمانی، EELS باید در حالی که به طور مستقل محیط خود را حس می‌کند و خطر جمع‌آوری داده‌ها را با ابزارهای علمی محاسبه می‌کند، به حرکت ادامه دهد. ابزارهای علمی که در EELS قرار خواهند گرفت هنوز مشخص نشده‌اند. روان تاکر، سرپرست این پروژه، در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت: ماشینی را تصور کنید که به طور مستقل رانندگی می‌کند، اما هیچ علامت ایست، یا علامت راهنمایی و رانندگی و حتی هیچ جاده‌ای وجود ندارد. ربات باید بفهمد جاده چیست و سعی کند آن را دنبال کند. برای این کار، EELS با استفاده از هشت دوربین استروبو و لیدار یک نقشه سه بعدی از محیط اطراف خود ایجاد می‌کند. الگوریتم‌های نابوری از داده‌های آن حسگرها برای کشف امن‌ترین مسیر برای ربات استفاده می‌کنند.

فیلم بازی

احضار



احضار (Conjuring) سال ۲۰۱۳ روی

پرده سینماها رفت و به عنوان یک فیلم بر اساس داستان‌های واقعی تبلیغ شد.
احضار بر اساس تحقیقات دو محقق مسائل ماورالطبیعه با نام‌های اِد و لوراین وارن روی یک موضوع عجیب و البته غیر قابل باور بود. پس از عرضه ایسن فیلم، افراد زیادی روی صحت و دقت فیلم به داستان واقعی سوال کردند و اینکه چگونه ممکن است چنین اتفاق ترسناک و البته عجیبی در دنیای واقعی بیفتد. اد و لورین وارن در دهه

۷۰ میلادی در جزیره رود به تحقیق درباره مسائل ماورالطبیعه می‌پرداختند، مسائلی که هنوز هم نمی‌توان توضیح خاصی برای آن‌ها پیدا کرد. اد وارن چند سال بعد از دنیا رفت و همسر او اکنون ۸۷ ساله است و هیچ وقت نظری راجع به ماجراهای اتفاق افتاده در فیلم بیان نکرد اما یکی از دوستان نزدیک به خانواده وارن ادعا کرد که تمام اتفاقات به تصویر کشیده در فیلم واقعا اتفاق افتاده‌اند. یکی از اعضای خانواده‌ای که در خانه جن‌زده جزیره رود زندگی می‌کرد در کتاب خاطرات شخصی خود نوشت که تمام اتفاقات افتاده در ماجرای اصلی به جز چند تفاوت جزئی دقیقا در فیلم نیز نمود پیدا کردند.

روزنامه‌بازی

مجله «تهران مصور» ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

تیتیری که روی جلد تهران مصور درج شده، تیتیری عجیب است: «آخرین شاعر روز: هر کی که رای نداده، حق نفس ندارد». در زیر این تیتیر آمده است: انزجار ملت از ترور و تجلیل ملت از استناد شهید مطهری.

معلوم نیست که این تیتیر مربوط به کدام مطلب داخل مجله بوده است، چون هیچ مطلبی با این تیتیر در داخل تهران مصور منتشر نشده بود! تهران مصور در آن زمان با سردبیری مسعود بهنود و معاونت تحریری سیروس علی‌نژاد منتشر می‌شد.

چهره‌ها

محمد علی سپانلو؛ شاعر تهران

محمد علی سپانلو مشهور به شاعر تهران در ۲۹ آبان ۱۳۱۹ در تهران به دنیا آمد. وی در کنار برگردان آثار ادبی، مجموعه‌های شعری از جمله برگیارها، پیاده‌روها، نیض وطنم را می‌گیرد، تمبید در وطن، ساعات امید، فیروزه در غبار، پاییز در بزرگراه، و قایق سواری در تهران را در کارنامه خود دارد. سپانلو اثری از نویسنده‌های مطرح دنیا مثل آلبر کامو و ژان پل سارتر را نیز ترجمه کرده‌است. او دانش‌آموخته دانشکده حقوق دانشگاه تهران و از نخستین اعضای کانون نویسندگان ایران بود.

محمدعلی سپانلو شاعر، منتقد ادبی و مترجم بود. وی بیش از شصت جلد کتاب در زمینه‌های شعر و داستان و تحقیق، به صورت تألیف یا ترجمه، منتشر کرد. در بیست سال گذشته، او به عنوان یکی از چند نماینده معدود ادبیات معاصر فارسی در بسیاری از گردهمایی‌های بین‌المللی در اروپا و آمریکا شرکت کرده و گفته می‌شود که سهم بزرگی در معرفی ادبیات ایران به جهانیان دارد. بسیاری از آثار او تا به حال به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، هلندی، عربی، و سوئدی ترجمه شده‌است. کتاب نویسندگان

پیشرو ایران که گلچینی از آثار داستانی نویسندگان قرن بیستم ایران، به همراه بررسی آنهاست، جزو منابع درسی در بسیاری از دانشگاه‌های ایران است و تا به‌حال فروش بسیار بالایی داشته‌است. ضمناً سپانلو از معدود شاعران و نویسندگان ایرانی است که در دنیای ادبیات غرب نیز شناخته شده، و توانسته است نشان شوالیه نخل (لژیون دونور) آکادمی فرانسه، و جایزه ماکس صدافت بدهد.
آزان جا که تهران از اصلی‌ترین منصرهای شعر محمد علی سپانلو بود؛ یکی از لقب‌های وی در فضای مجازی «شاعر تهران» است. او در بسیاری از شعرهایش کم و بیش به تهران اشاره‌هایی دارد، اما در سه مجموعه «خانم زمان»، «هیکل تاریک» و «حقیق سواری در تهران» زادگاهش را به عنوان محور اصلی شعر و در حد یک اسطوره مطرح می‌کند. وی در مورد تهرانی بودن خود و علاقه وافرش به این شهر می‌گوید: «من پنج نسلم تهرانی بوده‌است. زمانی تهران در اذهان منغور شده بود و بعضی می‌گفتند در تهران اجحاف و دروغ وجود دارد؛ انگار که شهر خودشان سبعل صدافت بوده‌است. من پاسخ می‌دادم که صدافت و بی‌صدافتی در همه شهرها هست، اما در تهران برای شما امنیت وجود دارد؛ چون در هیچ شهری نمی‌توانید به اهالی آن بد بگویید، اما در مورد تهران هرچه که بگویید، کسی کاری با شما ندارد» و وی در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ در تهران دار فانی را وداع گفت.

سید غلامرضا روحانی؛ طنزپرداز ایرانی

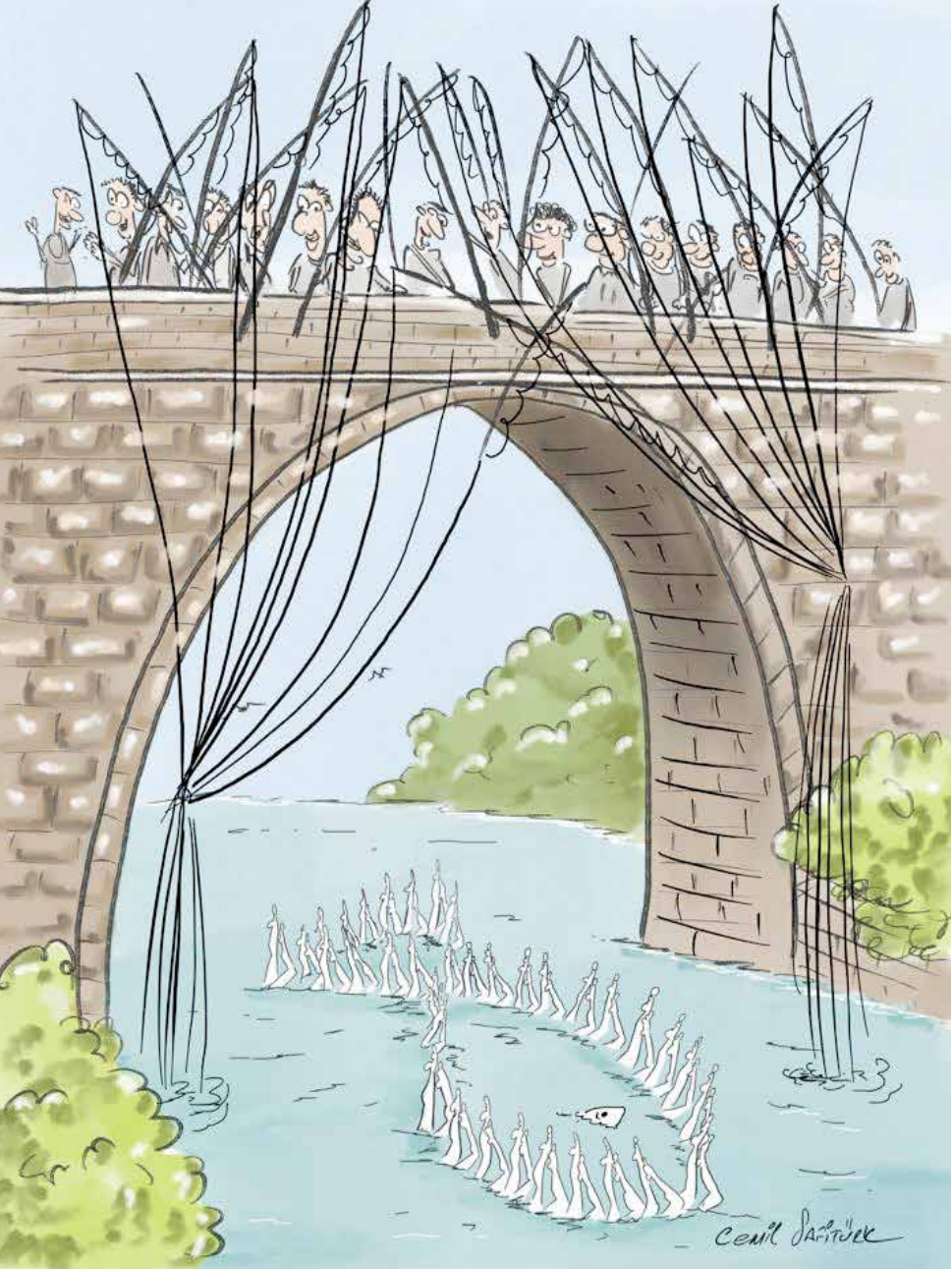
سید غلامرضا روحانی در ۲۱ اردیبهشت ۱۲۷۶ به دنیا آمد.او شاعر طنزپرداز ایرانی است که تخلص مستعار اشعار طنزش اجنه است. محمدعلی جمال‌زاده او را رئیس طایفه فکاهی‌سرایان نامیده‌است.

پدرش میرزا سید شکرالله متخلص به آزادی و جدش میرزا سید محمد تفرشی متخلص به علی، از شاعران دوره قاجار بودند. انتشار اشعارش در سال ۱۲۹۸ در حالی که بیش از ۲۳ سال از عمر وی نمی‌گذشت در جراند و نشریات مختلف تهران آغاز گردید. روحانی در سال ۱۳۰۰ به عضویت انجمن ادبی ایران در آمد. در سال ۱۳۱۳ مجموعه‌ای از شعرهایش با نام «طلیبه فکاهیات روحانی» با مقدمه سید محمد علی جمال‌زاده چاپ شد که در سال ۱۳۱۴ تجدید چاپ ولی مجدداً پس از مدت کوتاهی در بازار نایاب شد. بعد از آن مجموعه کاملتری از اشعار و فکاهیات او در سال ۱۳۴۳ تحت عنوان «کلیات اشعار و فکاهیات روحانی، اجنه» در انتشارات سنائی به چاپ رسید. نظیر اینگونه اشعار فکاهی در دوره جدید ادبیات فارسی خیلی کم و بدین مایه و معیار دیده نشده بود. به مرور ایام اشعار سید غلامرضا روحانی مصدر الهام و سرمشق گرنه‌هایی برای جوانان یا ذوق دیگر گردید. بطوریکه امروز ایران دارای یک مکتب «فکاهی» منظوم است. او در انجمن‌های ادبی نظیر حکیم نظامی (وحید دستگردی)، فرهنگستان (ملک‌اشعرازی بهار)، انجمن ادبی شیراز، انجمن ادبی آذربادگان، انجمن ادبی تهران، انجمن ادبی حافظ، انجمن ادبی صائب، انجمن ادبی نصر، انجمن ادبی دانشوران، و دیگر انجمن‌ها و محافل ادبی حضور فعال داشته است. روحانی در کلوبهای موسیقی و نمایش نیز هنر آفرین بود و ترانه‌ها و اشعاری فراوان برای کنسرت‌ها، نمایش‌نامه‌ها به گونه جدی و فکاهی آفریده است. سید غلامرضا روحانی سرانجام در شهر یور ۱۳۶۴ در تهران در گذشت.



طرح روز

امیل سالیفترک



بدون شرح

پیشنهاد

جواد لگزیان

مجموعه داستان «آماده ترور باش»

«پاکتی را به‌طرفم دراز کرده: از زیر در حیاط انداختن تو. از دستت می‌گیرم. کمی خیس است. دوتا مورچه رویش راه می‌روند. خم می‌شوم و مورچه‌ها را فوت می‌کنم روی زمین. رویش اسم مرا نوشته. تمیر ندارد. درش را که باز می‌کنم، یک کاغذ کاهی بیرون می‌کنم؛ رویش نوشته: آماده ترور باش!
»

داستان‌های این کتاب از علی براتی کجوان ما را به روزهای امیدبخش و سرنوشت‌ساز انقلاب پیوند می‌دهد و با امواج پر خروش بهمن پنجاه و هفت همراه می‌کند. براتی با نثری روان و ریتمی مناسب حوادثی جالب و تأمل‌برانگیز را روایت می‌کند که خواننده را با فضای آن روزها آشنا و به عمق ماجرا رهنمون می‌سازد.

داستان پسر نوجوانی که بسته حاوی اعلامیه‌ها را در میان نگاه‌های جست‌وجوگرانه ماموران ساواک به مقصد می‌رساند، خواهری نگران که کیفی پر از اعلامیه را جابه‌جا می‌کند و پسری که به امر مادرش در ساعات حکومت نظامی نوار سخنرانی‌ای را به دست صاحبش می‌رساند را در مجموعه داستان «آماده ترور باش» خواهید خواند.

مجموعه داستان «آماده ترور باش» نوشته علی براتی کجوان را نشر صاد در ۱۹۶ صفحه رهسپار بازار کتاب کرده است. نسخه‌ی الکترونیکی کتاب را می‌توانید در [طاقچه](#) بخوانید و نسخه‌ی کاغذی آن نیز قابل سفارش در سایت نشر صاد به نشانی [Saadpub.ir](#) است.

دانستنی‌ها

پروتئین‌ها چگونه پردازش اطلاعات را در مغز کنترل می‌کنند؟

پژوهشگران آلمانی در بررسی خود، نقش پروتئین‌ها را در کنترل پردازش

اطلاعات مغز ارزیابی کردند
به گزارش لیستست نیوز، برای انتقال اطلاعات از یک سلول عصبی به سلول دیگر، به تعامل پیچیده‌ای میان پروتئین‌های گوناگون نیاز است. پژوهشگران دانشگاه مارتین لوتر هاله ویتنبرگ (MLU) موفق شده‌اند تا این روند را در

وزیکول سیناپسی مورد بررسی قرار دهند که نقش مهمی بر عهده دارد.

چندین میلیارد سلول عصبی در بدن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا انسان و سایر موجودات زنده بتوانند محیط اطراف خود را درک کنند و نسبت به آن واکنش نشان دهند. انبوهی از فرآیندهای پیچیده شیمیایی و الکتریکی طی چند میلی ثانیه رخ می‌دهند.

دکتر کارلا اشمیت از پژوهشگران این پروژه گفت: مواد ویژه پیام‌رسان که ناقل

عصبی نام دارند، در سیناپس‌های سلول‌های عصبی منتشر می‌شوند. آنها اطلاعات را میان سلول‌های عصبی منتقل می‌کنند. مواد پیام‌رسان، در وزیکول‌های کوچکی موسوم به وزیکول‌های سیناپسی جمع می‌شوند که در واکنش به یک ضربه الکتریکی، با غشای سلول ترکیب می‌شوند و مواد پیام‌رسان را منتشر می‌کنند. سپس این مواد پیام‌رسان توسط پروتئین‌های گیرنده ویژه‌ای در سلول عصبی بعدی شناخته می‌شوند.

اشمیت ادامه داد: برای موفقیت در این موضوع، بسیاری از پروتئین‌ها باید مانند اجزای یک ساعت با هم کار کنند. در هر حال، اطلاعات کمی در مورد نحوه کار کردن این فرآیند وجود دارد. پژوهشگران، نوع ویژه‌ای از طیف‌سنجی را برای بررسی این روند به کار گرفتند. این روش طیف‌سنجی به شناسایی مکان‌های تعامل پروتئین‌ها کمک می‌کند. پروتئین‌ها با ماده‌ای ترکیب می‌شوند که پروتئین‌های مجاور را به هم متصل می‌کند. این ماده با توجه به نحوه تعامل پروتئین‌ها با یکدیگر، در مکان‌های متفاوت واکنش نشان می‌دهد. روش طیف‌سنجی مورد استفاده در این پژوهش، الگوهای اتصال را تجزیه و تحلیل می‌کند و می‌توان از آن برای نتیجه‌گیری در مورد ترتیب پروتئین‌ها استفاده کرد. این کار به پژوهشگران کمک می‌کند تا حالت‌های متفاوت وزیکول‌ها را بررسی کنند و تشخیص دهند که کدام شبکه پروتئینی تشکیل شده است. این پژوهش، درک روند انتقال سیگنال در سلول‌های عصبی را ممکن می‌سازد و به دانشمندان کمک می‌کند تا سوءعملکردهایی را که می‌توانند به بروز بیماری‌هایی مانند آلزایمر منجر شوند، درک کنند.

قاب

رویترز



راهبان تازه کار در معبد جوگی در شهر سنول کره جنوبی، پس از تراشیدن سرشان در مراسمی برای جشن گرفتن روز تولد بودا شرکت کرده‌اند.

مردم‌سالاری

روزنامه اجتماع- سیاه- فرهنگ و اقتصاد

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری مردم سالاری
مدیر مسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی اینترنتی:www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام:mardomsalardaily
نشانی اینستاگرام:mardomsalardaily
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ فضل‌الله نوری شمال به جنوب خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌یوز امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۲۲۶
فکس: ۰۲۹- ۸۸۲۲۰۹۲
رنه روزانه:۲
توزیع: نشر گستر امروز- تلفن:۶۱۸۲۳۳۳۳
چاپ: نشر رحبان - تلفن:۴-۰۱۱۱۴۴۴-۶۵۵۸۶۸۰

ادان صبح:۳/۳۶ طلوع آفتاب:۴-۵
اذان ظهر:۱-۱۲/۱
اذان مغرب:۱۷/۱۹
پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲- ۲۰ توال ۱۴۴۴- ۱۱ می ۲۰۲۳- شماره ۵۹۴

نگاه

مراقب خلخالی درونمان باشیم

سید عبدالجواد موسوی



این روزها زیاد می‌شنویم که: فلاطسی باید جواب بدهد، بهمانی باید درباره گذشته اش به مردم توضیح بدهد. این که دیگران باید درباره عملکردشان پاسخگو باشند اصلا چیز بدی نیست.

به ویژه سیاستمدار جماعت که تصمیم‌گیری‌هایشان می‌تواند سرنوشت یک ملتی را تعیین کند. اما من الان حرفم بر سر این شکل از پاسخگویی که امر بسیار پسندیده‌ای است، نیست. وادار کردن دیگران به پاسخگویی، ساز و کارهای خودش را دارد. تربیت ویژه ای را می‌طلبد و قانونگذاری خاص خودش را. چیزی که ما الان بسا آن فاصله زیادی داریم و البته امیدوارم که هرچه زودتر بتوانیم این فاصله را از میان برداریم و در یک فضای دور از هیجان و تنش‌های زودگذر امکان پرسش و پاسخ را برای همگان فراهم آوریم.

چیزی که این روزها آزاردهنده است نه تلاش برای وادار کردن دیگران به پاسخگویی،که شکلی از محاکمه است. این که دوربین موبایلت را روشن کنی و یک هنرمند یا یک روشنفکر را توی خیابان بسا در خلوت کوچه ای خفت کنی که: نظرت درباره فلان اتفاق چیست؟ ربطی به پاسخگویی ندارد.

یک جور آزار و اذیت خیابانی است. یک جور تفتیش عقاید زشت و البته مدرن است. قطعا کسی که چنین برخورد اهانت آمیزی را انجام می‌دهد در پی کشف حقیقت نیست.

اول از همه در پی مطرح کردن خود است و بعد هم به دنبال هنک حیثیت طرف مقابل.

دیگری از تحت فشار قرار دادن و در شرایطی نامناسب از او خواستن تا حرف دلخواه ما را بزند کجایش با اصول دموکراسی و آزادی بیان و حرف‌هایی از این دست همخوانی دارد؟

اگر با خودمان روراست باشیم خواهیم دید ما برای دریافت پاسخ به سراغ شخص مورد نظرمان نمی‌رویم. ما پیش از آن که سئوال بپرسیم تصمیمان را گرفته ایم. ما مقصد داریم آن بنده خدا را رسوای خاص و عام کنیم و به دیگران نشان دهیم او در زمره خائنان است و به خواسته‌های مردم هیچ وقتی نمی‌دهد.

اصلا وقتی به طرف مقابلمان می‌گوییم توضیح بده یعنی پیشاپیش او را متهم فرض کرده‌ایم. در کجا؟ در دادگاه ذهنی خودمان؟ ما چه کاره‌ایم که دیگران را متهم کنیم؟ احتمالا آشخ صادق خلخالی. منتهی مشکل این جاست که کسی به ما حکمی هم نداده تا بر اساس آن بتوانیم کسی را قضاوت کنیم.

ما عصبانی هستیم.

در این نکته شک نمی‌کنیم. این که چه کسی با کسانی و یا چه دلیلی با دلالی موجبات این عصبانیت را فراهم آورده اند بماند.

اما چیزی که در آن شکی نیست این که ما عصبانی هستیم، باز در این نکته شکی نیست که آدم عصبانی کارهایی انجام می‌دهد که خیلی فقلای نیست. ما فکر می‌کنیم در شکل‌گیری وضع موجود خیلی‌ها مقصرند. درست هم فکر می‌کنیم اما چون عصبانی هستیم

نمی‌توانیم تمیز دهیم که باید یقه چه کسی را بگیریم. و اصلا باید یقه کسی را گرفت؟ و اگر هم قرار به یقه گیری باشد سهم هر کسی چه قدر است؟ و اصلا خود ما چه سهمی در این میانه داریم؟

و این جور هاست که ناگهان در آن سر دنیا گیر می‌دهیم به داریوش مهرجویی. چسرا؟ حقیقتا اگر قرار باشد به دنبال مقصر شکل‌گیری وضع موجود بگردیم داریوش مهرجویی نفر چندم این لیست خواهد بود؟ و گیرم که مهرجویی هم مقصر باشد این شکل از پرسش و پاسخ چه مشکلی را از ما حل می‌کند؟ بر فرض مهرجویی زل بزنسد به دوربین و چندتا شاعر دل خوش کنک هم بدهد، چه چیزی گیر ما می‌آید؟ این که به دلیل سر دادن همان چند شاعر نتواند فیلم بسازد مقصود حاصل می‌شود؟ اصلا چرا فکر می‌کنیم همه باید شاعر بدهند؟ چرا فکسر می‌کنیم میلیون‌ها ایرانی باید به شکل ما در بیایند.

شکل ما حرف بزنند، شکل ما اظهار عقیده کنند و شکل ما اعتراضان را به وضع موجود نشان بدهند. این تمامیت خواهی از کجای وجود ما بیرون می‌زند؟ مشهور است که موسولینی فاشیست مشهور ایتالیایی یک ماه پیش از مرگش در آخرین مصاحبه خود گفته است: من فاشیسم را خلق نکردم. من آن را از ناخودآگاه ایتالیایی‌ها بیرون کشیدم. اگر این طور نبود بیست سال به دنبال من نمی‌آمدند.

صادقانه ببندیشیم اگر ما صاحب قدرت بودیم چه می‌کردیم؟ این که مدام داریوش مهرجویی را مثال می‌زنم به این دلیل است که همین چند روز پیش محاکمه خیابانی او اتفاق افتاده است و گرنه شما می‌توانید به جای مهرجویی کلی اسم بگذارید.

آدم‌هایی که عقایدشان واضح و روشن است اما به هر دلیلی نمی‌خواهند شکل من و شما آن را بر زبان بیاورند. آن‌هایی که امروز به راحتی مهرجویی را به هزار کار نکرده متهم می‌کنند و با خاطری آسوده هر دشمنی را نثار او می‌کنند برای من و شما دموکراسی نمی‌توانند بیاورند. دوزخ می‌آوردند. دوزخ.